



گفت و گوی غنی و میلر درباره‌ی روند صلح افغانستان

اشرف غنی، رئیس حکومت وحدت ملی با جنرال اسکات میلر، فرماندهی نیروهای خارجی در افغانستان و راس ویلسون، کاردار سفارت آمریکا در کابل دیدار و گفت و گو کرده است. صدیق صدیقی، سخنگوی ریاست جمهوری می گوید، محور این دیدار که عصر روز شنبه، ۵ دلو در ارگ ریاست جمهوری صورت گرفته، روند مذاکرات صلح آمریکا و طالبان در قطر بوده است.

به گفته‌ی آقای صدیقی، اسکات میلر در مورد سفرش به قطر که هفته‌ی گذشته انجام شده، به رئیس جمهور غنی گزارش داده است. بنابر توضیحات سخنگوی ریاست جمهوری، آقای میلر گفته است، که گفت و گوی زلمی خلیل زاد، نماینده‌ی ویژه‌ی آمریکا در امور صلح افغانستان با طالبان در قطر جریان دارد و در صورتی که پیشرفتی در این مذاکرات انجام شود، خلیل زاد به کابل سفر کرده و با حکومت افغانستان مشورت خواهد کرد. مذاکرات غیررسمی صلح میان آمریکا و طالبان از چندین به این سو در دوحه، پایتخت قطر از سر گرفته شده است. گفته می شود، که محور مذاکرات جاری پذیرفتن آتش بس از سوی طالبان و هم چنین آغاز مذاکراتی این گروه با حکومت افغانستان است.

وزارت خارجه برای کمک فوری به افغان‌های مقیم شهر «ووهان» چین نشست اضطراری برگزار کرد

به نقل از هشت صبح، وزارت خارجه‌ی کشور برای اتخاذ تدابیر فوری به هدف کمک به شهروندان و دانشجویان افغان مقیم شهر ویروس زده «ووهان» در چین، نشست اضطراری برگزار کرد. این نشست به ریاست هارون چخان‌سوری، معین سیاسی و سرپرست وزارت امور خارجه، دیروز یکشنبه (۶ دلو) در مقر این وزارت برگزار شد.

چخان‌سوری در این نشست به رؤسای شعبات مربوط دستور داده است تا در هماهنگی با سفارت افغانستان مقیم بیجینگ، وزارت صحت عامه، وزارت تحصیلات عالی و سفارت چین مقیم کابل، تدابیر همه‌جانبه را برای کمک فوری به شهروندان و دانشجویان افغان مقیم شهر «ووهان» که در معرض ابتلا به ویروس کشنده «کرونا» قرار دارند، اتخاذ کنند. سرپرست وزارت خارجه هم چنان دستور داده است تا ۶۲ دانشجوی افغان گیرمانده در شهر ویروس زده «ووهان» از طریق زمین و هوا به بیرون از این شهر انتقال داده شوند. طبق این دستور، سفارت افغانستان مقیم چین، طرح انتقال این دانشجویان را به محض رفع حالت قرنطین شهر «ووهان» به اجرا خواهد گذاشت. سرپرست وزارت خارجه تأکید کرده است تا زمانی که شهر «ووهان» در قرنطین به سر می‌برد، باید مساعدت‌های فوری برای رفع نیازهای دانشجویان افغان گیرمانده در این شهر صورت گیرد.

پیش از این، شماری از دانشجویان افغان ساکن در این شهر ویروس زده از کم کاری سفارت افغانستان در چین انتقاد کرده بودند و گفته‌اند که با کمبود مواد غذایی روبه‌رو هستند. ویروس کشنده «کرونا» که منشاء آن شهر ووهان چین است تا کنون جان ۵۶ نفر را گرفته است و حدود دو هزار نفر نیز به این ویروس مبتلا شده‌اند. این شهر توسط چین قرنطین شده است.

مقامات چین در مورد میزان گسترش شیوع ویروس کرونا معلومات دادند

ما سیاووی، رئیس کمیته‌ی دولتی امور صحتی چین دیروز (یکشنبه، ۲۶ جنوری) در یک کنفرانس خبری گفت: «بر اساس توالی ترتیب ژن‌ها، نوع جدید کرونا ویروس با سارس و مرس (شناسایی شده در سال‌های قبل) متفاوت است، این ویروس از مرحله‌ی انتقال از حیوانات به انسان به مرحله‌ی انتقال از انسان به انسان گسترش یافته و توانایی شیوع ویروس در حال افزایش است.» به گفته‌ی وی، «متخصصان به این باور اند، که شیوع این بیماری به مرحله‌ی جدی و پیچیده رسیده است.» هم چنان لی بین، معاون کمیته‌ی دولتی امور صحتی چین گفت: «آگاهی بشریت در مورد این نوع بیماری بسیار محدود است و احتمال جهش آن نیز نامشخص است.»

این بیماری علاوه بر چین، به هانگ کانگ، ماکاؤ، تایوان، تایلند، جاپان، کوریای جنوبی، ایالات متحده‌ی آمریکا، کانادا، ویتنام، سینکاپور، نیپال، فرانسه، استرالیا و مالیزیا نیز سرایت کرده است.

حکومت داری به سبک غنی؛ نهادسازی سلیقه‌ی و جابه‌جایی‌های غیر معمول



صفحه ۲

آیا روند تصویب بودجه‌ی ملی نظام‌مند است؟



صفحه ۱۲

«تلاش‌های نظامی تحت رهبری امریکا: ۲۰۰۱-۲۰۰۸»



صفحه ۱۳

تجربه‌ی صلح افغانستان؛ گذشته‌ی تلخ، آینده‌ی نامعلوم



صفحه ۱۴

رضایت وزارت مالیه از کاهش و افزایش معاشات کارمندان در سال گذشته؛ دیگر ادارات هم الگو بگیرند

(حدود ۷۰ دالر) است. در حالی که حقوق برخی از کارمندان بلندرتبه‌ی دولتی بیش از چهار هزار دالر است. از سویی هم گفته می‌شود، که شماری از کارمندان پایین‌رتبه نمی‌توانند با معاش کم‌شان مصارف عادی زندگی‌شان را تأمین کنند. در مقابل مقام‌های بلندرتبه معاش گزافی می‌گیرند. این وضعیت سبب شده است، که کارمندان پایین‌رتبه به کارشان چندان دلگرمی نداشته باشند. از همین رو بیشتر کابینه‌ی دولت طرح پیشنهادی وزارت مالیه برای افزایش معاش کارمندان دولتی را در کلیت تصویب کرده است، اما این پالیسی تاکنون به مرحله‌ی نهایی و اجرا گذاشته نشده است.

با این حال سخنگوی وزارت مالیه کشور گفت: «زمانی که پالیسی جدید تنظیم معاشات کارمندان دولتی به کابینه رفت، کابینه دو تیم تخنیکي که یک تیم رهبری ساخت، که تیم‌های تخنیکي مربوط به کمیسیون اصلاحات اداری و خدمات ملکی است و باید از آنها سوال شود که کار روی پالیسی به کجا رسید، اما وقتی کارهای تخنیکي به کمیته‌ی رهبری برسد روی آن فیصله می‌شود.» به گفته‌ی او، طرح تطبیقی نورم جدید معاشات کارمندان دولتی تاکنون به وزارت مالیه نرسیده است.

که ناراضی بوده باشند. یعنی کدرهای وزارت مالیه هم با رضایت کامل به وظایف‌شان ادامه دادند.» به گفته‌ی سخنگوی وزارت مالیه، از معاش یک تعداد کارمندان بلند رتبه ۳۰ درصد، از یک تعداد در حدود ۲۰ درصد و از تعداد دیگر هم ۱۵ درصد کم شده و به معاشات کارمندان پایین‌رتبه اضافه شد. هم چنان ۵۰ درصد کارمندان قراردادی وزارت مالیه برکنار شدند.

مسجدی می‌گوید، که در سال جاری مالی نیز این وزارت تلاش دارد که ۲۰ درصد دیگر از کارمندان قراردادی را نیز برکنار کند و معاش همین کارمندان قراردادی برکنار شده را به معاشات کارمندان پایین‌رتبه اضافه کند. از سویی هم آقای مسجدی گفت، که این وزارت به تمامی ادارات دولتی گفته بود، که اگر تمایل به اجرای همین برنامه داشته باشد وزارت مالیه آمادگی همکاری است اما با تأسف که هیچ اداره‌ای در این مورد علاقمندی نشان نداده است. این در حالی است، که بیشتر مقام‌های وزارت مالیه‌ی کشور گفته بودند، که در معاش مقام‌های بلندرتبه و مقام‌های پایین‌رتبه‌ی دولتی «تفاوت بسیار گسترده و غیرمنصفانه‌ای» وجود داشته است. در حال حاضر پایین‌ترین رتبه‌ی کارمندان دولتی در افغانستان بست هشت است. پایین‌ترین معاش یک کارمند در این بست پنج‌هزار افغانی

احمد ظاهر قادری

مقام‌های وزارت مالیه‌ی کشور می‌گویند، که رهبری و کارمندان این وزارت از «کاهش معاشات کارمندان قراردادی» و «افزایش معاشات ماموران پایین‌رتبه» جهت از بین بردن فاصله میان معاشات کارمندان بلند رتبه و پایین‌رتبه در سال گذشته مالی رضایت دارند.

شعور روز خان مسجدی، سخنگوی وزارت مالیه به هفته‌نامه‌ی صدای مردم افغانستان گفت، که این وزارت در سال مالی گذشته جدا از نورم عمومی تنظیم معاشات کارمندان دولتی، یک برنامه را در چارچوب وزارت مالیه جهت از بین بردن فاصله‌ی زیاد میان معاشات کارمندان بلند رتبه و پایین‌رتبه اجرا کرد. مسجدی افزود:

ما بر اساس لزوم دید خود اداره و وزیر مالیه از معاشات کارمندان بلند رتبه کاهش و تعداد کارمندان قراردادی را کم کردیم و در عین سقف بودجه‌ی معاشات وزارت همین مبلغ را به معاش کارمندان پایین‌رتبه اضافه کردیم. آقای مسجدی ضمن ابراز رضایت از تطبیق این برنامه در وزارت مالیه گفت: «بسیار نتیجه‌ی مثبت گرفتیم، هم کارمندان پایین‌رتبه ما معاش بیشتر دریافت کردند و راضی بودند و هم کارمندان بلند رتبه متضرر نشدند،



تجربه‌ی صلح افغانستان؛ گذشته‌ی تلخ، آینده‌ی نامعلوم

به نظر می‌رسد، گفت‌وگوهای صلح میان امریکا و گروه طالبان پیشرفتی نداشته است. گروه طالبان از درخواست مکرر امریکا مبنی بر اعلام «آتش‌بس» خسته به نظر می‌رسد و امریکایی‌ها هم از پافشاری بیش از حد طالبان بر «کاهش خشونت‌ها» به جای «آتش‌بس» ناراضی اند. اطلاعات نشان می‌دهد، که دیدارهای غیررسمی نمایندگان امریکا با هیأت مذاکره‌کننده‌ی طالبان، بی‌نتیجه بوده و روی هم‌رفته زمان از سرگیری گفت‌وگوهای رسمی صلح نامعلوم است.

در بُعد داخلی هم وضعیت پیچیده است. قشر سیاسی، حکومت و جریان‌های اپوزیسیون در رابطه به صلح دیدگاه واحد ندارند. حکومت به برقراری آتش‌بس قبل از آغاز مذاکرات صلح بین دولت و گروه طالبان تأکید دارد. محمد اشرف غنی، رییس حکومت وحدت ملی در حاشیه‌ی نشست مجمع جهانی اقتصاد در داووس سویس در گفت‌وگو با خبرنگاران ضمن انتقاد از عمل کرد حامد کرزی، رییس‌جمهور پیشین و دکتر عبدالله ربییس اجرائیه‌ی حکومت وحدت ملی در پیوند به پروسه‌ی صلح، اعلام کرد که مردم خواستار پایان جنگ هستند، کاهش خشونت نتیجه نمی‌دهد اما آتش‌بس نشان‌دهنده‌ی این است، که افغان‌ها به گفت‌وگوی سیاسی تعهد واقعی دارند. قبل از این نیز ارگ ریاست‌جمهوری گزینه‌ی «کاهش خشونت» را بی‌معنا و مبهم خوانده و گفته بود؛ نیاز و خواست مردم افغانستان برقراری آتش‌بس است. چهره‌های شامل در حکومت هم بارها با طرح «کاهش خشونت» مخالفت کرده و آن‌را غیرقابل تفسیر و طرحی برای فرار طالبان از صلح و فریب جامعه‌ی جهانی عنوان کرده‌اند.

قشر سیاسی و جریان‌های اپوزیسیون که به‌تازگی دکتر عبدالله ربییس اجرائیه‌ی حکومت هم به آن پوخته است، سلسله نشست‌هایی را برای تهیه‌ی یک طرح جامع برای صلح برگزار کرده و در جلسه‌ی روز شنبه (۵ دلو) با هم‌دیگر توافق کردند، که تا یک‌هفته‌ی دیگر این طرح نهایی شود. هنوز معلوم نیست، که این مجموعه‌ی سیاسی موفق به تهیه‌ی یک طرح جامع برای صلح می‌شود یا خیر، اما تجربه‌های گذشته نشان داده است، ائتلاف‌های سیاسی که در پیوند به مسئله‌های ملی شکل می‌گیرد، عمر طولانی ندارد.

تجربه‌ی پروسه‌های صلح در جریان حکومت‌های گذشته نشان می‌دهد، که اختلاف‌ها در کابل و حمایت‌های بیرونی از طرف‌های درگیر جنگ، تمامی این تلاش‌ها را به شکست مواجه کرده است. برنامه‌ی مصالحه‌ی ملی حکومت دموکراتیک افغانستان با تنظیم‌های جهادی به همین دلیل شکست خورد و به استقرار صلح در کشور کمک نکرد. پس از آن اختلاف بر سر ساختار دولت و تقسیم قدرت، مانع آن شد تا احزاب جهادی حکومت همه‌شمول و مقتدری را تشکیل دهند. اکنون نیز همین خطر، آینده‌ی گفت‌وگوهای صلح را تهدید می‌کند. به نظر می‌رسد، هرگاه گام‌های عملی در مسیر صلح برداشته شود و طرف‌های درگیر بر سر ساختار حکومت آینده به‌گفت‌وگو بنشینند، پراکندگی سیاسی به‌مفهوم واقعی کلمه عربی می‌شود.

با این اوصاف، آینده‌ی گفت‌وگوهای صلح مبهم و نامعلوم است. از یک‌سو زمان از سرگیری دهمین دور این گفت‌وگوها میان زلمی خلیل‌زاد و هیأت مذاکره‌کننده‌ی طالبان مشخص نیست و از جانب دیگر در میان حکومت، چهره‌های سیاسی و جریان‌های اپوزیسیون اجماع وجود ندارد. ساختار حکومت آینده (حکومت پس از امضای توافق‌نامه‌ی صلح) بحث‌برانگیز و جنجال‌آفرین است. براساس نظرسنجی انستیتوت مطالعات صلح و جنگ که هفته‌ی قبل منتشر شد، نزدیک به ۷۰ درصد مردم افغانستان نظام جمهوری می‌خواهند. در حالی که طالبان دعوای امارت اسلامی دارند و به‌دنبال برپایی این نظام در افغانستان اند. با این اوصاف، چالش‌های فراروی روند صلح افغانستان، فراوان است و آینده‌ی این پروسه نامعلوم.

اما اگر قرار باشد، جنگ در کشور قطع شود و به‌جای آن صلح استقرار یابد، چالش‌های فراروی پروسه‌ی صلح باید از سر راه برداشته شود، اجماع به‌وجود آید و گروه طالبان به برقراری آتش‌بس تن دهد. در غیر این صورت، تلاش‌های آشتی‌جویانه به صلح سراسری و عادلانه در افغانستان نمی‌انجامد.

حکومت‌داری به‌سبک غنی؛ نهادسازی سلیقه‌ی و جابه‌جایی‌های غیر معمول

اسحق علی احساس



حکومت‌داری آقای غنی هنوز هم همان است که بود. جابه‌جایی‌های اخیر افراد از یک اداره به اداره‌ی دیگر و از یک پست به پست دیگر و یا هم استخدام‌های چندماهه اخیر از مصادیق عینی رویه‌ی غیرمعمول و غیرمنطقی محمد اشرف غنی در امر حکومت‌داری است.

این رویه، تأثیرات منفی بسیاری را بر روند عرضه‌ی خدمات عامه در ادارات دولتی (ملکی و نظامی) گذاشته است. هر شهروند این سرزمین نشانه‌های از این تأثیرات را حین مراجعه به یک اداره‌ی ملکی و یا نظامی دیده و یا شاید هم تجربه کرده باشند. اکنون برخلاف بلوف‌های بی‌حد و حصر محمد اشرف غنی، بروکراسی اداری معلول و بیمار است و سیستم اداری ناکارآمد. کسی هم پاسخ‌گو نیست و برای از میان برداشتن مشکلاتی که برای مردم به‌دلیل نابودشدن نظام اداری کشور خلق شده، اقدام نمی‌کند. قرار معلوم برای آقای غنی همین کافی است، که خودش را معمار سیستم اداری پاسخ‌گو و کارآمد در کشور بداند و عنوان مؤسس حکومت‌داری خوب را یدک بکشد.

واقعیت اما چیزی دیگری است. فراتر از مشکلات مردم و فروپاشی نظم اداری کشور در نهاد‌های ملکی، نهاد‌های نظامی که پایه‌های اساسی بقا در کشورهای در حال جنگ - چون افغانستان است، از نوع مواجهه‌ی آقای غنی به امور نظامی آسیب دیده است. در کشورهای دیگر، مقام‌های نظامی براساس اصول و نیازهای نظامی و امنیتی تبدیل و جابه‌جا می‌شوند و مدت‌زمان این تبدیلی و جابه‌جایی یک حد معمول و طبیعی دارد. رییس حکومت وحدت ملی اما پروای این مسایل را ندارد. او هر چند ماه مقام‌های ارشد نهاد‌های امنیتی و نظامی را تبدیل و جابه‌جا می‌کند و حتا افرادی با پیشینه‌ی کار غیرنظامی را در رأس مهم‌ترین ادارات نظامی و استخباراتی می‌گمارد. بی‌جهت نیست، که بیش از ۶۰ هزار قربانی سربازان ارتش در پنج‌سال گذشته را به همین رویه‌ی غیرمعمول و غیرمسلمکی آقای غنی به نهاد‌های نظامی و امنیتی ربط دهیم. وقتی یک نهاد امنیتی و استخباراتی، هر چند ماه میزبان چهره‌ی تازه و ای بسا غیرمسلمکی باشد و در یک کلیت مواجهه‌ی رییس حکومت به این نهادها استراتژیک و آینده‌نگرانه نباشد، نتیجه‌ی کار جز ناکامی چیزی دیگری نیست. این که در پنج‌سال گذشته، ابتکار جنگ بیشتر در دست مخالفان مسلح بود تا در دست نهاد‌های امنیتی و استخباراتی کشور، از همین رویکرد غیرمعمول و غیرمسئولانه ناشی می‌شود. نه چیز دیگر.

روی هم‌رفته، برنامه‌ی اداره‌سازی و حکومت‌داری محمد اشرف غنی، پرونده‌ی دور و دراز و ناکامی است، که بررسی آن کار دشوار و زمان‌گیر است و طی یک گزارش بلند تحقیقی می‌توان آن‌را به‌شکل مستند و مورد به‌مورد بررسی کرد. بنابراین بررسی این پرونده در توان تنها یک مقاله نیست بلکه برای بررسی آن باید کلیت کارنامه‌ی حکومت‌داری محمد اشرف غنی به تجزیه و تحلیل گرفته شود.

و اداره‌ی دیگر که در گذشته بخشی از وزارت‌خانه‌ها و یا ادارات مستقل بودند، پس از مستقل شدن به‌شکل غیرمسلمکی و خلاف اصول اداری کار کرده و در بسا موارد در تشخیص و پیش‌برد وظایف اداری اش در بدنه‌ی دولت ناکام و ناموفق بوده‌اند.

پس از تجزیه‌شدن ادارات، جریان خدمت‌رسانی و روال عادی کار اداری این نهادها به مردم، هرگز رضایت‌بخش نبوده و خدمات عامه که مسوولیت دولت است، به مشکل خورده است. مضاف بر این موارد، بسیاری از نهاد‌های جدیدالتاسیس، به‌عنوان نهاد مستقل بودجوی در طرح بودجه‌ی سال مالی در نظر گرفته نشده و کماکان مثل گذشته معاشات کارمندان، بودجه‌ی عادی و انکشافی اش، از بودجه‌ی واحد بودجوی اداره‌ی سابق اجرا می‌شود.

ایجاد ادارات جدید و تقسیم‌کردن نهاد‌های ملکی و نظامی به چند بخش مستقل، یک‌بخشی از کار غیرحرفه‌ای رییس حکومت وحدت ملی است. محمد اشرف غنی در کنار این که ادارات را چندپاره و در مواردی نهاد‌های موازی در بدنه‌ی دولت ایجاد کرده، در جابه‌جایی افراد در این ادارات نیز عمل بالمثل کرده است. اگر به نحوه‌ی رهبری نهاد‌های ملکی و نظامی در پنج‌سال گذشته نگاه کنیم، در کنار این که اکثریت مطلق این نهادها به‌شکل سرپرست اداره شده و کلیت دولت یک دولت سرپرستی بوده است، هر اداره شاهد مدیریت مقطعی و کوتاه‌مدت افراد مختلف بوده‌اند.

هرگاه به روند تغییر و تبدیلی‌ها و جابه‌جایی‌های مقام‌های نظامی و ملکی در دوره‌ی حکومت وحدت ملی نگاه شود، روند غیرمعمول و پرشتابی به چشم می‌خورد، که برخلاف تمام تجربه‌های حکومت‌داری در سطح جهان است. شاید هیچ‌دولتی در افغانستان و جهان به‌خود ندیده است، که رییس آن شب‌هنگام برای یک اداره یک نسخه تجویز کند و صبح‌گاه پس از برخاستن از خواب، حکم متفاوت و دیگری صادر نماید. تجربه‌ی حکومت‌داری محمد اشرف غنی اما همین‌گونه است.

بارها اتفاق افتاده که پس از چند مدت، مسوول و مقام یک اداره (نظامی و غیرنظامی) تبدیل و یا بر طرف شود و مقام جدید به‌شکل سرپرست در اداره‌ی مربوطه توظیف گردد و یا اشخاص زیادی در مدت کوتاه بدون این که تخصص کافی در یک‌بخش داشته باشد و تجربه‌ی کار اداری اش در یک سکتور مورد ارزیابی قرار گیرد، به‌دلیل نزدیکی با رییس‌جمهور متصدی پُست مهم شده و مدتی بعد به‌صورت غیرقابل پیش‌بینی تبدیل و یا سلب صلاحیت شده است. اگر پنج‌سال حکومت‌داری آقای غنی به بررسی گرفته شود، ده‌ها و یا شاید صدها مورد از این نوع افشا شود، موردهایی که به‌مفهوم واقعی کلمه با روال کار اداری و حکومت‌داری در مغایرت قرار دارد و غیرمعمول است. این همه اما با وجود حکومت وحدت ملی و ریاست‌جمهوری محمد اشرف غنی ممکن شده و تبدیل به روال عادی کار اداری و حکومت‌داری در کشور شده است. هرچند این تغییر و تبدیلی‌ها، هرازگاهی مورد نقد مردم و قشر سیاسی قرار گرفته و در مواردی با نگوهِش افکار عامه مواجه شده، اما شیوه‌ی

پنج‌سال ریاست‌جمهوری محمد اشرف غنی با سر و صدای اصلاحات، حکومت‌داری خوب و انکشاف اقتصادی گذشت. از میان صدها وعده‌ی کوچک و بزرگ آقای غنی به مردم افغانستان، ایجاد حکومت‌داری خوب، تطبیق اصلاحات و انکشاف اقتصادی بزرگ‌ترین و ای بسا مهم‌ترین آن است. او در زمان کارزارهای انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۱۴ و پس از آن در جریان پنج‌سال ریاست‌جمهوری اش، هرباری که فرصت گفت‌وگو با مردم را به‌دست آورد، این شعارها را با ادا و اطوار عجیب یادآوری کرد. در جریان تبلیغات انتخابات ریاست‌جمهوری امسال نیز بسیاری از وعده‌ها و شعارهای دسته‌ی انتخاباتی دولت‌ساز، همان شعارها و وعده‌های گذشته بود. اکنون محمد اشرف غنی، ایجاد حکومت‌داری خوب، اصلاحات و انکشاف اقتصادی را عمده‌ترین دست‌آورد‌های حکومت‌اش عنوان می‌کند و به مردم وعده‌ی عملی‌ساختن کامل برنامه‌هایش را در پنج‌سال آینده می‌دهد.

این در حالی است، که بررسی‌ها چیزی دیگر را نشان می‌دهد. در این دوره، برخلاف شعارهای گرم محمد اشرف غنی، حکومت‌داری در کشور با مشکلات جدی مواجه شد و ادارات ملی (ملکی و نظامی) در سراسر کشور سقوط قرار گرفت. در پنج‌سال گذشته و حتا در روزهای اخیر، آقای غنی هر باری که متوجه ادارات دولتی شد، به تجزیه، مستقل‌سازی و گاهی حتا به ایجاد ادارات موازی اقدام کرد و نزدیکان‌اش را در رأس آن ادارات قرار داد؛ به‌گونه‌ی مثال، وزارت‌خانه‌های مخابرات، تحصیلات عالی، معارف، ترانسپورت، فواید عامه و چندین اداره‌ی ملکی و نظامی دیگر را به‌چند اداره تقسیم کرد و چندین اداره و کمیسیون موازی با ادارات دیگر را در تشکیل دولت اضافه نمود. در سکتور مالی و عوایدی نیز ادارات جدید به‌وجود آورد و چند بخش را که در گذشته زیرمجموعه‌ی وزارت‌خانه‌های عوایدی بود، جدا و مستقل ساخت.

این جداسازی‌ها و ایجاد ادارات و کمیسیون‌های موازی، اکنون کار حکومت‌داری را به‌جای رساننده که نهاد‌های حکومتی فلج و در حال فروپاشی است، سلسله‌مراتب وجود ندارد و سیستم اداری کشور سردرگم و به هم‌ریخته است. بسیاری از ادارات، پس از آن که از بدنه‌ی اداره‌ی دیگر جدا شده و به‌صورت مستقل فعالیت‌اش را آغاز کرده، در روزهای پس از کار مستقلانه در امر به‌وجود آوردن اداره و سیستم ناکام بوده و تا هنوز نتوانسته حتا تشکیل‌اش را تکمیل و برایش لایحه‌ی وظایف تعریف کند. ادارات دیگری که جدیدن تأسیس شده نیز با همین مشکل مواجه است. نهاد‌های چون وزارت دولت در امور صلح و یا وزارت دولت در امور حقوق بشر، تا این دم فاقد تشکیل اداری است و حتا مکان و جای دایمی برای فعالیت ندارد.

وزارت‌خانه‌هایی که به چند اداره و ریاست مستقل تجزیه شده نیز با مشکل مدیریتی و اداری مواجه‌اند. به‌طور نمونه اداره‌ی تدارکات ملی، اداره‌ی هوانوردی ملکی، اداره‌ی اترا، اداره‌ی عمومی امتحانات و چندین ریاست

آیا روند تصویب بودجه ملی نظام‌مند است؟

امیرپناهیان



شمرز خان مسجدی، سخنگوی وزارت مالیه می‌گوید، که مطابق به قانون، اعضای جرگه حق محدودسازی صلاحیت‌ها را داشته و این وزارت با روند محدودسازی صلاحیت، مشکلی ندارد. به گفته‌ی او مجلس نمایندگان براساس قانون، صلاحیت عام و تام ایجاد محدودیت را داشته و اگر آن‌ها مطابق قانون در این مورد تصمیم گرفته‌اند، وزارت مالیه مشکلی ندارد.

رییس‌جمهور از کود ۹۱ نیز تأکید می‌کنند، که در مطابقت به قانون، اعضای مجلس فیصله کردند که برای شفافیت استفاده از سقف کود ۹۱ مشخص شده و رییس‌جمهور می‌تواند بیشتر از دو میلیارد افغانی از آن به‌منظور پروژه‌های انکشافی و زیرساختی استفاده نموده و در صورت استفاده‌ی بیشتر، نیازمند تأیید اعضای ولسی‌جرگه می‌باشد. از سوی هم، وزارت مالیه از تصویب طرح بودجه‌ی سال مالی ۱۳۹۹ از سوی ولسی‌جرگه استقبال نموده و تأکید می‌کند، که این وزارت مطابق به قانون و صلاحیت‌های خویش بودجه را در اختیار وزارت‌های دیگر قرار خواهد داد.

شمرز خان مسجدی، سخنگوی وزارت مالیه می‌گوید، که مطابق به قانون، اعضای جرگه حق محدودسازی صلاحیت‌ها را داشته و این وزارت با روند محدودسازی صلاحیت، مشکلی ندارد. به گفته‌ی او مجلس نمایندگان براساس قانون، صلاحیت عام و تام ایجاد محدودیت را داشته و اگر آن‌ها مطابق قانون در این مورد تصمیم گرفته‌اند، وزارت مالیه مشکلی ندارد.

با این همه برخی از کاربران شبکه‌های اجتماعی در پیوند به نامتوازن بودن سند بودجه ملی، کارزاری را به‌منظور اطلاع‌رسانی از تبعیض سیستماتیک علیه

طرح بودجه ملی پس از هفته‌ها تنش میان نمایندگان پارلمان، چهارشنبه‌ی هفته‌ی گذشته (۲۷ دلو) به تصویب رسید. مجموع بودجه‌ی پیشنهادی دولت برای پارلمان در سال ۱۳۹۹ بالغ بر ۴۲۸ میلیارد افغانی بود، که ۲۸۹ میلیارد آن بودجه‌ی عادی و ۱۳۹ میلیارد آن به‌حیث بودجه‌ی انکشافی در نظر گرفته شده است. اعضای ولسی‌جرگه پس از بحث‌های فراوان و پر تنش بالاخره سند بودجه‌ی سال مالی ۱۳۹۹ را با ۱۰۱ رأی موافق، ۴۵ رأی مخالف و ۲۲ رأی ممتنع به تصویب رساند. میررحمان رحمانی، رییس این مجلس تأکید می‌کند، که تمام اولویت‌ها و ظرفیت‌های بودجوی در سند بودجه‌ی مالی ۱۳۹۹ با پیشنهاد اعضای ولسی‌جرگه و مطابق به قانون، برای حکومت پیشنهاد گردیده و اصلاحات لازم به میان آمده است.

این در حالی است، که شماری از نمایندگان مجلس در اعتراض به آن‌چه نامتوازن بودن سند بودجه از سوی حکومت خوانده می‌شود، تأکید می‌کنند، که برخی از حلقه‌ها در درون حکومت تلاش دارند تا با اغوا ساختن برخی از نمایندگان، بودجه ملی را که حق تمام مردم افغانستان می‌باشد، در راستای منافع تیمی، گروهی، قومی و سیاسی‌شان تغییر داده و از بودجه به‌عنوان ابزار سیاسی علیه مخالفان‌شان استفاده کنند. با این حال برخی از اعضای کمیسیون بودجوی مجلس نمایندگان در مورد محدودسازی اختیارات و استفاده‌ی

مشکل اساسی در طرح بودجه ملی نیست، بلکه مشکل خارج از آن و در واقع در قلب نظام حقوقی کشور لانه دارد. قانون بودجه افغانستان به‌گونه‌ای ترتیب و تنظیم شده است، که فرصت و ظرفیت را برای برخی از حلقه‌ها وابسته به حکومت و شخص رییس‌جمهور، فراهم می‌سازد. حلقه‌ها وابسته به ارگ ریاست‌جمهوری می‌توانند با استفاده از فرصت پیش‌آمده، از تصویب بودجه به‌عنوان یک تجارت کلان استفاده نمایند.

«تلاش‌های نظامی تحت رهبری امریکا: ۲۰۰۱-۲۰۰۸»

«در جریان سال‌های ۲۰۰۲ الی ۲۰۰۹ میلادی اکثر قوای امریکایی به‌منظور فرماندهی عملیات‌های ناتو/آیساف در شرق کشور ساکن بودند. ناآرام‌ترین ولایات در شرق عبارت بودند از پکتیا، پکتیکا، خوست، کنر و نورستان. ولایات هلمند، قندهار، ارزگان، زابل، نیمروز و دایکندی زون فرماندهی جنوب را تشکیل می‌دادند. افزایش تعداد نیروها، زون فرماندهی جنوب را طی سال‌های ۲۰۰۹ الی ۲۰۱۰ تقویت بخشید - در حقیقت افزایش نیرو به جنوب تمرکز داشت. حدود ۴۰۰۰ نیروی امریکایی تحت فرماندهی جرمنی در زون فرماندهی جنوب قرار داشت و ایتالیا زون فرماندهی غرب را رهبری می‌کرد. ترکیه مسوولیت فرمان‌دهی نیروهای آیساف را در کابل تا ۷ اکتبر ۲۰۱۱ به‌دوش داشت و موافقت کرد تا این مسوولیت را تا یک‌سال به‌دوش داشته باشد. روی هم‌رفته نیروهای افغان رهبری پایتخت را به‌دست دارند، علی‌رغم این‌که در طی سال‌های ۲۰۰۱ الی اواسط ۲۰۰۶ قوای امریکایی و نیروهای افغان علیه شورشیان می‌جنگیدند. تمرکز اصلی شورشیان بر مناطق جنوب و شرق بود، جایی که قوم پشتون بر آن تسلط بیشتر دارند. عملیات‌های متعددی از قبیل عملیات آگست ۲۰۰۳، عملیات دسمبر ۲۰۰۴ و فبروری ۲۰۰۵ و عملیات اکتبر ۲۰۰۵ راه‌اندازی شد تا مناطق متذکره از موجودیت شورشیان تصفیه شود. در اواخر سال ۲۰۰۵ ایالات متحده امریکا و فرماندهان همکار، شورشیان را شکست‌خورده پنداشتند و مسوولیت‌های امنیتی تمام افغانستان را طی سال‌های ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶ ناتو و آیساف به‌دوش گرفت. ارزیابی‌های خوشبینانه غلط ثابت شد، هنگامی‌که در اواسط سال ۲۰۰۶ خشونت شورشیان افزایش پیدا کرد.

عملیات‌های نیروهای ناتو در سال ۲۰۰۶ الی ۲۰۰۸ میلادی ولسوالی‌های کلیدی کشور را از حضور شورشیان تصفیه نمود اما از نفوذ مجدد آنان جلوگیری نکرد. نیروهای ناتو/آیساف جنگ‌های پیش‌گیرانه را هم‌چنان به‌راه انداختند و کارهای انکشافی را بدون موفقیت دوامدار افزایش دادند. این‌ها نگرانی‌های امریکایی انعکاس پیدا کرد، چنان‌چه در ماه سپتمبر ۲۰۰۸ رییس ستاد مشترک ارتش ایالات متحده امریکا، دریاسالار مایک مولن اظهار داشت، که من از موفقیت در افغانستان اطمینان ندارم. حادثات زیادی از قبیل: (۱) افزایش حملات طالبان در مناطقی که آنان قبلاً غیرفعال بودند، (۲) حملات ۱۴ جنوری ۲۰۰۸ بر هتل کابل سرینا و فرار زندانیان از زندان قندهار که در نتیجه آن صدها زندانی طالب فرار نمودند.

دلایل وخامت اوضاع در افغانستان عبارت اند از فساد اداری گسترده در ادارات دولتی افغانستان، عدم حضور ادارات دولتی و یا هم قوای امنیتی در اکثر مناطق روستایی، پناه‌گاه‌های امن شورشیان در پاکستان، سکوت تعدادی از معتمدین ناتو به‌منظور مبارزه‌ی فعالانه علیه شورشیان، واکنش شدید در برابر تلفات ملکی در نتیجه‌ی عملیات نظامی، تصورات نامشخص توسعه‌ی اقتصادی. مسامحه‌ی این همه عوامل ایالات متحده امریکا و هم‌پیمانان آن‌را واداشت در واکنش به این وخامت تصمیم افزایش قوا را اتخاذ نمایند. اداره‌ی بوش تصمیم گرفت تا تقاضای اواسط سال ۲۰۰۸ میلادی را تا حدودی بر آورده بسازد و خواست فرماندهی ارشد ایالات متحده و فرماندهی ناتو، جنرال دیوید مکیرنان را مبنی بر ارسال ۳۰۰۰۰ قوای اضافی امریکایی را تا حدودی پذیرفت. تقاضای افزایش ۳۰ هزار نیروهای امریکایی در اداره‌ی بعدی با تفاوت روبه‌رو شد و تا ماه دسمبر ۲۰۰۸ این تعداد به ۳۲۰۰۰ الی اپریل ۲۰۰۹ این تعداد به ۳۹۰۰۰ افزایش پیدا کرد. قوای همکار در این خلال افزایش پیدا نمود و تا اپریل ۲۰۰۹ به ۳۹۰۰۰ رسید.

در ماه سپتمبر ۲۰۰۸ نظامیان امریکایی و ناتو استراتژی جنگی‌شان را مجدد ارزیابی نمودند. بررسی ابتدایی استراتژی امریکا توسط دگر جنرال دولاس لوت، مشاور ارشد اداره‌ی بوش در امور افغانستان و عراق صورت گرفت. این ارزیابی‌ها برای اداره‌ی اوپاما توضیح داده شد. منبع: افغانستان، حکومت پس از طالبان، امنیت و سیاست امریکا، کینید کیتزمن، ترجمه‌ی محمد امید نور، انتشارات سعید، صص ۳۱-۳۳

حلقه‌ها خاص قومی و سیاسی در کشور به راه انداخته‌اند. این کمپاین در کم‌ترین فرصت ممکن توانست واکنش‌های مقامات و وکلای مجلس را برانگیزد. کاربران شبکه‌های اجتماعی با بارگزاری بخشی از اسناد بودجه در صفحات اجتماعی، میزان تفاوت بودجه‌ی ولایات را با هم‌دیگر مقایسه نموده و خلاهای آن را نمایان ساختند.

این کمپاین بیشتر از سوی افرادی به راه اندخته شده است، که معتقدند، مناطق سردسیر کشور در عین حالی که از کم‌ترین امکانات رفاهی و اقتصادی برخوردار نیستند، با آن هم حکومت هیچ توجه مؤثر برای بهبود سقف معیشت و سطح آموزش آن‌ها نکرده است. به باور این افراد مناطق دور دست کشور باید براساس اولویت‌ها و ظرفیت‌های بودجوی محاسبه‌شده از سوی ارگان‌های مسوول، بودجه‌های انکشافی بیشتری داشته باشند. این افراد نمونه‌های را نیز ارائه نموده و با توجه به سطح توازن بودجه آن‌ها را محاسبه می‌کنند. به‌عنوان مثال، بودجه‌ی ولایات جنوبی نسبت به ولایات غربی کشور کم‌تر بوده و ولسوالی‌های که از مراکز ولایات فاصله‌ی بیشتر دارند، با کم‌ترین پروژه‌های عام‌المنفعه مورد حمایت قرار گرفته است. ولسوالی‌های هستند، که بودجه‌ی‌شان به اندازه‌ی نصف بودجه‌ی یک ولایت منظور گردیده و برخی از ولسوالی‌ها تنها به بودجه‌ی سال گذشته‌ی‌شان توجه شده و از سال جدید خبری نیست.

با این حال، شماری از شهروندان ولایت غور در پیوند به عدم توازن بودجه‌ی ملی دست به اعتراض زده و خواستار عدالت شهروندی از سوی حکومت و نهادهای مسوول شدند. این معترضان که شمارشان کم نیست، هشدار می‌دهند، در صورتی که دولت مرکزی به خواست آنان توجه نکند، آنان تمامی روابط شان را با دولت پایان داده و دیگر تحت قیمومیت دولت قرار نمی‌گیرند. به باور این معترضان، دولت مرکزی در تلاش است تا با در نظرداشتن علایق و سلیقه‌ی شخصی‌شان بودجه‌ی ملی که از سرمایه‌ی تمام مردم افغانستان تأمین و تمویل می‌گردد را به ساحات جغرافیایی خاص، اختصاص داده و سایر ولایات کشور را نادیده بگیرد.

با این وجود به‌نظر می‌رسد، مشکل اساسی در طرح بودجه ملی نیست، بلکه مشکل خارج از آن و در واقع در قلب نظام حقوقی کشور لانه دارد. قانون بودجه افغانستان به‌گونه‌ای ترتیب و تنظیم شده است، که فرصت و ظرفیت را برای برخی از حلقه‌ها وابسته به حکومت و شخص رییس‌جمهور، فراهم می‌سازد. حلقه‌ها وابسته به ارگ ریاست‌جمهوری می‌توانند با استفاده از فرصت پیش‌آمده، از تصویب بودجه به‌عنوان یک تجارت کلان استفاده نمایند. برای محدودسازی نفوذ حلقه‌ها، لازم است که قانون بودجه تغییر نموده و ظرفیت‌های حقوقی با میکانیسم‌های خاص طراحی گردد تا هر شخص یا هر نهاد دولتی نتوانند به راحتی دست به تغییرات بزنند. از سوی هم وکلای مجلس، بخشی دیگری از سناریویی نامتوازن بودن بودجه ملی است. شماری از وکلای پارلمان در تلاش اند تا از ظرفیت پیش‌آمده به‌خوبی استفاده نموده و امکانات اقتصادی به دست آورند.

این وکلا با شبکه‌سازی در درون مجلس، حلقه‌ها را تشکیل می‌دهند و به‌صورت مستقیم از ارگان‌های که مسوولیت پیشبرد بودجه را دارند، اخاذی نموده و تبدیل به کمیشن‌کار سیاسی می‌شوند. براساس حقوق مدرن، باید میکانیسم حقوقی برای محدودسازی وکلای مجلس در امر تصویب بودجه در نظر گرفته شود، تا از سیاسی‌شدن این روند و معاملات پشت پرده بکاهد.



گره کور پروسه ی صلح؛ آیا مذاکرات بین الافغانی آغاز می شود؟



محمد نسیم نظری

گفت وگوهای صلح پس از فراز و فرودهای فراوان بار دیگر در میان انبوهی از تحولات سیاسی بین المللی، در سر خط اخبار مطبوعاتی جهان قرار گرفته است. این مذاکرات که دور نهم آن در ماه سنبله ی سال جاری در قطر پس از توییتی نابهنگام دونالد ترامپ، رییس جمهور ایالات متحده ی امریکا متوقف گردید، اکنون در حال از سرگیری است. دور نهم این مذاکرات با امیدواری های زیادی از سوی دو طرف ادامه داشت. در آن زمان تحلیل کارشناسان امور منطقه ای و بین المللی بر حل اختلافات پیش آمده از طریق گفت وگو بود. زلمی خلیل زاد، نماینده ی ویژه ی وزارت خارجه ی امریکا در امور صلح افغانستان، در نشست های مطبوعاتی اش تأکید می کرد، که به زودی نشست مشترک بین الافغانی به منظور کاهش خشونت ها در افغانستان میان رهبران سیاسی و نمایندگان حکومت افغانستان آغاز می گردد. اما پس از حمله ی انتحاری در منطقه ی شش درک کابل، که در آن یک سرباز نیروهای امریکایی کشته و شماری از افراد ملکی دیگر آسیب دیدند، رییس جمهور ترامپ این مذاکرات را برای مدتی نامعلومی متوقف ساخت.

پس از توقف مذاکرات، شماری از تحلیل گران امور سیاسی به این باور بودند، که این مذاکرات به تنهایی نمی تواند مسیر کاهش خشونت ها را در افغانستان باز نموده و چشم انداز مناسب ثبات سیاسی را در کشور به وجود آورد. این در حالی بود، که جامعه ی جهانی و حکومت افغانستان مشغول فراهم سازی زمینه های انتخابات ریاست جمهوری ششم میزان سال جاری بودند. پس از انتخابات ریاست جمهوری، در اوج تنش ها و تضادهای سیاسی داخلی، گفت وگوهای صلح پس از سفر آقای خلیل زاد به اسلام آباد و دیدار او با عمران خان، نخست وزیر آن کشور، دوباره آغاز گردید.

به نقل از منابع مطبوعاتی در قطر، این گفت وگوها هنوز به شکل گذشته بر نگشته و دو طرف منتظر آغاز دور دهم این مذاکرات می باشد. هرچند براساس تصاویر منتشر شده از سوی دفتر مطبوعاتی امارت اسلامی در قطر و توییت های سهیل شاهین، سخنگوی دفتر سیاسی این گروه، زلمی خلیل زاد و اسکات میلر، فرماندهی عمومی نیروهای ناتو در افغانستان در چند روز گذشته دو بار با نمایندگان گروه طالبان دیدار کرده و در مورد پیشرفت های این روند گفت وگو نموده اند. سهیل شاهین، سخنگوی دفتر سیاسی این گروه در دوحه ی قطر، پس از ختم دومین نشست

مدیران دولت افغانستان به رهبری رییس جمهور غنی، در تلاش است تا این گفت وگوها به مدت پنج سال آینده نیز با همین منوال ادامه یابد، زیرا آنان به خوبی می دانند که در صورت حضور طالبان در بدنه ی ساختار سیاسی کشور، حداقل رییس جمهور غنی دیگر در رأس هرم قدرت باقی نخواهد ماند، پس آنان با تمام توان در تلاش اند، تا این بازی را در همین سطح نگه داشته و از سوی هم نتایج انتخابات را به نفع شان رقم بزنند.

نمایندگان امریکا و گروه طالبان، در یک پیام توییتی نوشت، که تمام آمادگی ها برای نهایی سازی توافق نامه ی صلح انجام شده و دو طرف در حال مذاکره روی زمان و مکان امضای توافق نامه ی صلح اند. به گفته ی این عضو گروه طالبان، دو طرف پس از ختم رسمی مذاکرات، با رهبران شان مشورت نموده و به زودی توافق نامه ی صلح میان دو طرف و با نظارت شماری از کشورهای منطقه و جهان امضا خواهد شد.

در این میان طرف امریکا به شمول زلمی خلیل زاد هیچ واکنش جدی و در خور توجه نسبت به پیشرفت های پروسه ی صلح نشان نداده است. خلیل زاد با خون سردی تمام و با توجه به تجربه ی تلخ توقف این مذاکرات در ماه سنبله ی سال جاری، این روند را ادامه داده و در تلاش دست یابی به یک توافق هرچند شکننده با گروه طالبان می باشد. این همه در حالی اتفاق می افتد، که پیش از این ایالات متحده ی امریکا برای امضای توافق نامه ی صلح، اعلان آتش بس عمومی از سوی گروه طالبان در افغانستان را پیش شرط مذاکره با این گروه خوانده بود. طالبان پس از روزها مشورت با رهبری شان در پاکستان، به کاهش خشونت ها تن داده است. اصطلاح کاهش خشونت، اولین بار توسط زلمی خلیل زاد برای رهبران

گروه طالبان پیشنهاد گردید. هرچند شخص آقای خلیل زاد نسبت به این اصطلاح هیچ تعریف مشخصی ارائه نکرده است و تنها از گروه طالبان خواسته تا سطح خشونت ها را در کشور کاهش دهد. پس از پیشنهاد آقای خلیل زاد، نمایندگان گروه طالبان اعلام کردند، که با طرح کاهش خشونت در افغانستان موافق بوده و از سطح خشونت ها در کلان شهرها به مدت یک هفته تا امضای توافق نامه ی صلح کاسته می شود.

با این وجود، صدیق صدیقی، سخنگوی ریاست جمهوری هفته ی قبل اعلام نمود، که کاهش خشونت برای مردم افغانستان اصطلاح جدید و غیر قابل تعریف بوده و از ابهام مفهومی برخوردار می باشد. به گفته ی او، مردم افغانستان خواستار اعلام آتش بس از سوی گروه طالبان بوده و این گروه برای رسیدن به توافق صلح باید به اعلام آتش بس عمومی در افغانستان تن دهد.

ارگ ریاست جمهوری افغانستان در واکنش به اظهارات اخیر سهیل شاهین، سخنگوی دفتر سیاسی طالبان در قطر، در مورد کاهش خشونت ها اعلام نمود، که هیچ توافقی بدون مشورت حکومت افغانستان پذیرفتنی نیست. در اعلامیه ی مطبوعاتی ارگ ریاست جمهوری آمده است، که رهبری حکومت در تلاش است تا یک هیأت همه شمول برای مذاکره با گروه طالبان ترتیب داده که در آن نمایندگان جامعه ی مدنی و زنان نیز حضور داشته باشند. به گفته ی این اعلامیه، حکومت افغانستان در مشورت با کشورهای کمک کننده در افغانستان و نیز برخی چانه زنی های دیپلماتیک با کشورهای منطقه، تلاش می کند تا مسیر سالم و سازنده برای گفت وگوهای صلح به وجود آید.

در همین حال رییس جمهور غنی که هفته ی قبل در نشست مجمع جهانی اقتصاد، در شهر داووس سویس اشتراک کرده بود، در حاشیه ی این نشست با رسانه ها در مورد گفت وگوهای صلح تأکید کرد، که دیدگاه مردم افغانستان واضح است و حکومت وحدت ملی چشم انداز ثابت و روشن برای پیشبرد این گفت وگوها دارد. او در پاسخ به پرسش خبرنگاران در مورد آینده ی روند صلح و خروج نیروهای امریکایی از افغانستان تصریح کرد، که دولت افغانستان در کنار مردم خواهد ماند و هراس از خروج نیروهای امریکایی در افغانستان وجود ندارد. غنی تأکید کرده است، که مردم خواستار پایان جنگ در کشور بوده و کاهش خشونت نتیجه نمی دهد، اما آتش بس نشان دهنده ی این است، که افغان ها تعهد واقعی به دیالوگ سیاسی دارند. هم چنین رییس جمهور غنی در سفرش به سویس

با انگلا مرکل، نخست وزیر آلمان نیز دیدار کرده است. براساس اعلامیه ی مطبوعاتی ارگ ریاست جمهوری، در این نشست خانم مرکل حمایت کشورش را از صلح به رهبری دولت افغانستان اعلام نموده و تأکید کرده است، که کشور آلمان در کنار دولت افغانستان خواهد ماند. در این اعلامیه هم چنان از میزبانی دولت افغانستان برای گفت وگوهای صلح نیز اعلام حمایت شده است.

این در حالی است، که طالبان هنوز از موضع سیاسی اش در گفت وگو با طرف افغانی طفره رفته و نمی خواهد با جانب افغانستان وارد گفت وگو شود. به باور اکثر از کارشناسان امور نظامی، گروه طالبان به قدرت نظامی ایالات متحده ی امریکا در افغانستان باورمند بوده و مطمئن است، که برای رسیدن به قدرت سیاسی در افغانستان در قدم نخست باید با امریکا به توافق برسد. طالبان براساس آن چه متن توافق نامه ی صلح خوانده می شود و در آخرین دور مذاکرات (دور نهم) بخشی از آن در رسانه های دست به دست گردید، خواستار امارت اسلامی در افغانستان بوده و در تلاش است تا نمایندگان امریکا را برای قمار سیاسی بالای مردم و سرنوشت جمعی افغانستان وادار نماید. با این حال یک نظرسنجی که از سوی انستیتوت مطالعات جنگ و صلح ارائه گردیده است، نشان می دهد که ۷۰ فیصد از مردم افغانستان خواستار نظام جمهوری بوده و هیچ نظام دیگری را غیر از جمهوری نمی خواهند. یافته های این نظرسنجی نشان می دهد، که در گذشته نظام های سیاسی یکی پی دیگر در کشور روی کار می آمد، اما مردم عادی در آن نقش جدی نداشتند. هم چنین این نظرسنجی نشان می دهد که اکثر مردم عادی طرف دار رهبری روند صلح با مالکیت دولت افغانستان بوده و می خواهند دولت نقش اصلی و محوری را در گفت وگوهای صلح با گروه طالبان داشته باشد.

با این حال به نظر می رسد، که گفت وگوهای صلح با پارادوکس جدی روبه رو است. اولین سنجی این پارادوکس، نبود اجماع واقعی پیرامون صلح است که تا کنون از هیچ طرف درگیر (امریکا، دولت افغانستان و طالبان) به معنی واقعی کلمه تبارز نکرده است. هر طرف با توجه به نیازمندی های سیاسی و تبلیغاتی شان از پروسه ی صلح استفاده ی ابزاری نموده و می خواهند این روند، ابزار سیاسی برای بازی های موجود باشد. امریکا و شخص ترامپ پس از فیصله ی سنا مبنی بر استیضاح او در مجلس، خواستار جلب افکار عمومی برای حمایت از ریاست جمهوری و دیدگاه او پیرامون مسایل کلان خاورمیانه است. تیم دیپلماتیک ترامپ برای احیای هویت سیاسی خود در خاورمیانه و نیز حمایت از استراتژی جنوب آسیا در تلاش است تا دیدگاه مجلس سنای امریکا را مدیریت نموده و جوی عمومی حاکم را به نفع شان با استفاده از ابزارهای چون صلح در افغانستان و خروج نیروهای امریکا از عراق عملی سازند. هم چنین تیم ترامپ برای انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۰ امریکا و برنده شدن در آن، از روند صلح افغانستان استفاده ی ابزاری و سیاسی می نماید.

اما اعضای رهبری طالبان به دنبال تحمیل دیدگاه سیاسی شان (امارت اسلامی) بالای نمایندگان امریکا و افغانستان می باشند. طالبان متوجه اند، که اگر با امریکا به توافق سیاسی دست یابند، دولت افغانستان نمی تواند اختلال جدی در سطح و حجم توافق آنان وارد نماید، از همین جهت تلاش دارند تا با جانب امریکا مذاکره نموده و به خواست ایدیولوژیک و سیاسی دیرینه ی شان (امارت اسلامی) دست یابند. این خواست در حال حاضر با توجه به درماندگی ترامپ در خاور میانه و ضعف مدیریتی در سطح رهبری دولت افغانستان و نیز نبود نیروهای سیاسی با نفوذ و متعهد به ارزش های ملی در کشور، به منتهی ظهور و تحقق نزدیک شده است.

مدیران دولت افغانستان به رهبری رییس جمهور غنی، در تلاش است تا این گفت وگوها به مدت پنج سال آینده نیز با همین منوال ادامه یابد، زیرا آنان به خوبی می دانند که در صورت حضور طالبان در بدنه ی ساختار سیاسی کشور، حداقل رییس جمهور غنی دیگر در رأس هرم قدرت باقی نخواهد ماند، پس آنان با تمام توان در تلاش اند، تا این بازی را در همین سطح نگه داشته و از سوی هم نتایج انتخابات را به نفع شان رقم بزنند.

دومین پارادوکس این روند، نبود زمینه ها و بسترهای عملی برای صلح است. طالبان به خوبی می دانند، که مردم افغانستان دیگر پس از ۱۸ سال نمی خواهند، امارت اسلامی را با کش و قوس های ایدیولوژیک آن بپذیرند. لذا از بازی به وجود آمده نهایت استفاده نموده و برای سنگ اندازی در این روند، بر دیدگاه انتزاعی شان تأکید می کنند. از سوی هم در این میان رهبران سیاسی و برخی از چهره های تأثیرگذار ملی نقش اساسی و کلیدی در مناسبات ملی و بین المللی نداشته و در عمل نمی توانند، پیشنهاد واحد برای طرف های مذاکره کننده ارائه نموده و برای رسیدن به ثبات سیاسی تلاش نمایند.